

کیفیت تلاوت

آیت الله جوادی آملی



بحث ما راجع به کیفیت هدایت بود که به عنوان مقدمه و مدخلی بر این بحث، در باره آداب و شرایط تلاوت بیانی داشتیم. اکنون به دنبال آن بحث می پردازیم.

کیفیت تلاوت

یک سلسله از دستورات در آداب تلاوت بر می گردد به کیفیت لفظی آن یعنی انسان تا می تواند خوب قرائت کند و «ترتیل» قرائت کند. و یکمقدار بر می گردد به اینکه با علم و تدبیر قرائت کند.

در مورد ترتیل قرآن در سوره مزل می فرماید: «وَزَيَّلَ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً. اِنَّا سَنُلْقِيْ عَلَيْكَ قَوْلًا تَقْبَلُهُ» قرآن را ترتیل کن. ما بر تو کلام سنگینی القاء می کنیم. قرآن از این نظر قول سنگین است که هم درک معارفش دشوار می باشد و هم عمل به احکامش مشکل است و هم در میزان روز قیامت قول ثقیلی است که می فرماید: «وَاَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَهُوَ فِي عِشْرَةِ رَاضِيَةٍ».

قرآن کریم از آن نظر که احکامش برخلاف خواسته ها و مستهبات نفس است و با آن سازگار نیست لذا بر نفس بسیار سنگین و دشوار است چرا که نفس، خواهان شهوت است. در نهج البلاغه از قول رسول اکرم «ص» می فرماید: «حُمِّلَ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ وَحُمِّلَ الْعَجْنَةُ بِالْمَكَارِهِ» آتش پیچیده لذایذ است و بهشت پیچیده دشواریها. انسان از هر سو که به لذت کشانده شود، پایانش شعله آتش است و از هر راهی که بخواهد به بهشت برسد با دشواریها و مشکلات و مصیبت ها روبرو است.

و قرآن از آن نظر که در روز قیامت با میزان الهی اعمال، سنجیده می شود، قول ثقیل و سنگین است زیرا در آن روز حقیقت آن ظهور می کند. آن روز است که تاویل قرآن ظاهر

می شود و مردم می دانند که از نظر احکام و چگم بسیار سنگین و وزین بود.

ولی همین قرآن که برای نفس اماره و قوه شهوت و غضب بسیار دشوار و سنگین می آید، برای فطرت دست نخورده آسان است. می فرماید: «وَلَقَدْ بَشَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» این آیه که چهار بار در سوره قمر تکرار شده است می فرماید: وما قرآن را برای تذکر و پندگیری آسان قرار دادیم آیا پندگیر و متذکری هست؟ با اینکه در سوره مزمل آن را قول ثقیل می خوانند، در اینجا می فرماید که قرآن آسان است و ما آن را آسان قرار دادیم. آن سنگینی از این لحاظ بود که محتوایش سنگین است و خفیف و سبک نیست، وانگهی آسان در مقابل سنگینی نیست که برخی فکر کنند این دو آیه تناقض دارند زیرا ثقیل در برابر خفیف است و سیر در برابر عسیر است. پس این قرآن خفیف و سبک نیست برای اینکه محتوایش سنگین و وزین است، و از آن طرف عسیر و دشوار نیست زیرا مطابق با خواسته و نیاز فطرت است.

در آخرین آیه از سوره مزمل می فرماید: «فَأَقْرُوا وَلَا تَيْسَرُوا مِنَ الْقُرْآنِ، عَلِمَ أَنْ سَبَّكُونَ مِنْكُمْ مُرْضَىٰ وَأَخْرُؤُونَ بِضُرْبٍ فِي الْأَرْضِ...» خدا می داند که همواره شما در حال سلامت و در حضر نیستید بلکه گاهی مسافرید و گاهی با مشکلات و موانع همراهید ولی در هر صورت فرصتهای ارزنده و مناسب را از دست ندهید و مغتم بشمارید برای خواندن قرآن. در موارد عادی قرآن بخوانید زیرا همیشه قرآن خواندن برای شما میسر نخواهد بود.

انسان وقتی وارد قرائت قرآن می شود، به عبادت خدا بر می خیزد و چون وارد عبادت می شود، شیطان حمله را علیه او آغاز می کند، لذا می فرماید «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» اگر خواستید قرآن بخوانید، از شر شیطان طرد شده از درگاه الهی، به خدا پناه ببرید.

بنابراین، چون قرائت و تلاوت قرآن همراه با تدبیر و تهذیب و تزکیه است، عبادت است و چون عبادت است شیطان تهاجم دارد و چون تهاجم شیطان وارد است، استعاذه لازم دارد. پس این استعاذه (اعوذ بالله من الشیطان الرجیم) از آداب تلاوت است.

مسئولیت تلاوت

مسئولیت تلاوت، تهذیب نفس و به یاد آن بودن است.

این مسئولیت در آیه ۱۵ سوره بقره آمده است، می فرماید: «اتَّخَذُوا النَّاسَ بِالْبَرِّ وَنَسُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» چگونه مردم را به نیکوکاری امر می کنید و خودتان را فراموش می نمائید در حالی که کتاب خدا (قرآن) را می خوانید. چرا در آن نمی اندیشید و فکر نمی کنید؟

کتاب خدا که در این آیه آمده است، وحی آسمانی است خواه به صورت قرآن باشد و خواه به صورت کتابهایی که بر انبیاء پیشین نازل شده زیرا قرآن، آن کتابهایی را که بر انبیاء گذشته نازل شده، تصدیق کرده است.

از این آیه، چنین بر می آید که انگیزه تلاوت، تهذیب نفس و به یاد آن بودن است و گرنه آن ذکر است که نتواند نفس را تهذیب کند، ذکر الله نیست. پس تلاوت کتاب خدا برای تزکیه و تهذیب نفس است که اگر کسی تهذیب نفس را شروع نکرد و کتاب خدا را تلاوت نمود، مشمول این آیه است؛ گذشته از اینکه تلاوت با نسیان نفس سازگار نیست

در این باره روایتهایی از معصومین (ع) به ما رسیده است که برخی از آنها را به عنوان نمونه یادآور می شویم:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «إِنَّ أَهْلَ الْقُرْآنِ فِي أَعْلَىٰ دَرَجَةٍ مِنَ الْأَدَمِيِّينَ مَا خَلَا النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ فَلَا تَسْتَضِعُّوا أَهْلَ الْقُرْآنِ حَقُوقَهُمْ فَإِنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ عَزِيزَ الْجَبَّارِ لَمَكَانًا عَلِيًّا» (اصول کافی - فضل حامل القرآن - حدیث اول).

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرموده است: اهل قرآن در والاترین مراتب انسانها هستند بجز پیامبران و رسولان، پس حقوق اهل قرآن را اندک و کم نشمارید زیرا از سوی خداوند عزیز جبار، مقامی عالی و بلند برای ایشان است.

و اگر در تحلیل مسئله «واعتصموا بحبل الله...» روشن شد که این حبل یکطرفش بدست الله است و وسطهای این حبل بدست فرشتگان (سفره کرام برره) می باشد و پایان این حبل بدست انسان است، آنگاه به انسان گفته شده است: واعتصموا بحبل الله جميعاً، لازمه این مطلب این است که اگر کسی قرآن را با مراعات آداب تلاوت، تلاوت کرد و فهمید و به آن عمل کرد، بالا می رود تا آنجا که با سفره کرام برره متحد و مرتبط شود. لذا در حدیث دیگری از امام صادق (ع) چنین آمده است:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): الْحَافِظُ لِلْقُرْآنِ، الْعَامِلُ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ» (اصول کافی - فضل حامل القرآن - حدیث دوم).

حافظ قرآنی که به آن عمل می کند، همراه با فرشتگان

کرام نیکرفتار در آخرت خواهد بود. زیرا حبل اعتصام بدست آنها است، اگر انسان آن را بگیرد و بالا رود به فرشتگان می رسد.

قاریان قرآن

روایتی از امام باقر(ع) به ما رسیده است که اصناف و گروه های مختلفی را که قرآن می خوانند ذکر کرده است و انگیزه هریک را بیان داشته. حضرت در این حدیث می فرماید:

«قَرَاءَةُ الْقُرْآنِ ثَلَاثَةٌ: رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَاتَّخَذَهُ بِضَاعَةً وَاسْتَدْرَجَ بِهِ الْمُلُوكَ وَاسْتَحْطَلَ بِهِ عَلَى النَّاسِ. وَرَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَحَفِظَ حُرُوفَهُ وَصَبَّحَ حُدُودَهُ وَأَقَامَةَ إِفَامَةَ الْفَيْدَحِ فَلَا كَثْرَةَ لِلَّهِ هَوْلَاءُ مِنْ حَمَلَةِ الْقُرْآنِ. وَرَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَوَضَعَ دَوَاءَ الْقُرْآنِ عَلَى دَاءِ قَلْبِهِ فَأَشْفَاهُ بِهِ لَيْلَهُ وَأَوْطَأَ بِهِ نَهَارَهُ وَقَامَ بِهِ فِي مَسَاجِدِهِ وَتَجَافَى بِهِ عَنِ فِرَاقِهِ فَبَاوَلَتْكَ يَدْفَعُ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْبَلَاءَ وَبَاوَلَتْكَ يَدْبُلُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَبَاوَلَتْكَ يَبْرُكُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْغَيْبُ مِنَ السَّمَاءِ فَوَاللهِ لَهَوْلَاءُ فِي قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ أَعْرُ مِنْ الْكِبْرِيَّتِ الْأَحْمَرِ».

(کافی ج ۲ - کتاب فضل القرآن، باب التوادر، حدیث اول).

قاریان قرآن سه دسته اند:

اول - آن شخصی که قرآن را می خواند و آن را سرمایه کار خود قرار می دهد و از این راه بوسیله سلاطین و حاکمان توقع بهره بردن دارد و بوسیله فهم یا قرائت قرآن خود را بر مردم برتر می داند.

دوم - کسی است که قرآن را می خواند و حروف آن را نگه می دارد ولی حدود آن را ضایع می سازد. این قرآن تیری است برای او که آن را پشت سر خود قرار داده. خداوند امثال اینان را در خوانندگان قرآن هرگز زیاد نکند.

سوم - کسی است که قرآن را می خواند و آن را داری دل دردمندش می داند و برای خواندن و به کار بستن آن شب را بیدار و روز را تشنه می گذراند و در هنگام نمازهایش به آن قیام می کند و بوسیله قرآن از بستر استراحت کنار می رود. اینان برکات زمین اند که خداوند عزیز جبار بوسیله آنها بلیات را رفع می کند و به برکت آنها شر دشمنان را دفع می نماید و باران رحمت را از آسمان (بر بندگانش) می فرستد. و به خدا قسم اینان در قاریان قرآن از کبریت احمر کمیاب ترند.

شفاء و دواء

در این حدیث شریف، قرآن به عنوان دوی قلب بیمار معرفی شده است، اما در قرآن خداوند قرآن را شفا توصیف می فرماید: «وَوَنزَلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ».

شفاء ظریفترین و دقیق ترین تعبیر در باره قرآن کریم از نظر درمان بیماریهای قلب و نفس است. زیرا دوا ممکن است اثر نکند اما شفا چون درمان محض است لذا ممکن نیست اثر نکند. و می توان دوا و شفا را به چراغ و نور تشبیه کرد زیرا چراغ را ممکن است خاموش نمود ولی خود نور چون در ذاتش روشنایی است، دیگر امکان ندارد از بین برود. مستیر به خاموشی می گراید ولی نور همیشه نور است و روشنایی.

امراض قلب چگونه است؟

قرآن، بیماریهای قلب را از گناه می داند و لذا در باره کسی که گوش به صدای نامحرم می دهد و تحریک می شود، او را مریض می داند. در سوره احزاب خطاب به زنان پیامبر(ص) می فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الذَّبِي فِي قَلْبِهِ مَرَهْنٌ» زنهار سخن نرم و ملایم نگویند، نکند آنکس که قلبش بیمار است، به طمع افتد.

برکات زمین

در هر صورت، آن انسانهای پاک که قرآن را دوی قلب خود می دانند و آنقدر با قرآن انس دارند که شب را با آن بسر می برند و در نماز و نیایش با آن همدم و همنویند، این گروه از برکات زمین می باشند و خداوند توسط اینها بلا را از زمین دفع می کند.

زکریا بن آدم از بزرگان رجال علمی و از شاگردان میرزا امام رضا(ع) است (و در شیخان قم مدفون می باشد) خدمت حضرت رسید و عرض کرد: بزرگان و رجال علمی و پیر مردان قم درگذشتند و الآن جوانها در شهر هستند و معاشرت با آنها برای من دشوار است. اجازه بدهید از قم بیرون روم. حضرت ثامن الحجج(ع) فرمود: شما در قم بمانید زیرا خدا به برکت تو بلا و عذاب را از قم بر می دارد همانگونه که به برکت قبر پدرم موسی بن جعفر(ع) عذاب را از آن منطقه بر می دارد.

این برکت عالم با عمل است که حضرت می فرماید: تو ای زکریا! در قم بمان زیرا وجود تو باعث رفع بلا و عذاب از مردم است.

در همین باب، بیانی را مرحوم کلینی «ره» از امام سجاد «ع» نقل می کند که حضرت فرمود: «لَوْ مَاتَ مَنْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَمَا اسْتَوْحِشْتُ بَعْدَ أَنْ يُكُونَ الْقُرْآنَ مَعِي» (این حدیث بسیار جالب است و سزاوار است همه آن را حفظ کنند).

حضرت می فرماید: اگر تمام مردم روی زمین بمیرند و قرآن با من باشد، احساس وحشت نمی کنم.

این روایت برای مؤمنین بسیار نیروبخش است که اگر تمام مردم جهان بمیرند، و قرآن با آنان باشد هیچ احساس هراس و وحشتی نکنند. حال چه مرگ ظاهری باشد و چه مرگ حقیقی که همان کافر شدن است. پس اگر تمام مردم کافر شوند و از خدا بیگانه گردند، و من تنها موحد و مسلمان باشم، نباید از احدی احساس هراس کنم زیرا انسان از خدا چه می خواهد؟ سعادت ابدی! و سعادت ابدی با قرآن تأمین می شود. قرآن است که تمام راه های نجات و سعادت و خوشبختی اخروی و رضایت خداوند را به انسان می آموزاند و به او می گوید: اگر جهان با تو خصم شود و تو قرآن را داشته

باشی، از کسی ترس! باید در برابر آنان بایستی و مقاومت کنی و دل خوش داری که خدا با تو است و قرآن اتین تو. «وَكُنْ أَعْلَى السَّلَامِ إِذَا قَرَأَ»، «مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ» «بِكُرْرُهَا حَتَّى كَادَ أَنْ يَمُوتَ».

و در روایت آمده است که حضرت هنگامی که «مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ» می خواند، آنقدر آن را تکرار می کرد که گویا جان از تنش می خواست پرواز کند. این در اثر شناخت و تلاوت حق و توجه به معانی قرآن است که حضرت را آنچنان متوجه قیامت می نماید که هرگاه به این آیه می رسد، آن را پیوسته تکرار می نماید تا آنکه گویا می خواهد از دنیا برود. ادامه دارد

۱. فصح در اینجا به معنای تیر است، که معمولاً یک نظامی یا غیر نظامی که تیر به همراه دارد، در هنگام سفر ابزار و جعبه تیر را در پشت سر روی اسب قرار می دهد که در موقع لزوم از آن بهره برداری کند. و در اینجا حضرت به چنین افرادی که قرآن را خوب می دانند و معشایش را می فهمند ولی آن را ضایع می کنند، تشبیه به کسی نموده است که تیر به همراه دارد و تیراندازی نیز وارد است ولی در جانشی که نباید از آن استفاده کند، استفاده می کند یا برای خود نعلانی آن را به همراه دارد اینها نیز چنین اند؛ عالمان بی عملی می مانند که با علم به قرآن و معانی کلمات و آیات شریفه قرآن، آن را به کار نمی گیرند و احکامش را ضایع می نمایند.

«حال ای ملت اسلام و امت محمد «ص»! بر ما است که از امام بزرگمان (امام حسین «ع»)) پیروی کنیم و با فداکاری از انقلاب اسلامی پاسداری کنیم و برای ادامه این مکتب عزیز که رهائی مستضعفان جهان و سرکوبی مستکبران است، از هواهای نفسانیه که میراث شیطان است بر حذر باشیم و توطئه دشمنان کشور و اسلام را که ایجاد یاس و سستی است، در نطفه خفه کنیم.»

از پیام امام خمینی بمناسبت روز پاسدار (موم شعبان) ۵۹/۳/۲۶